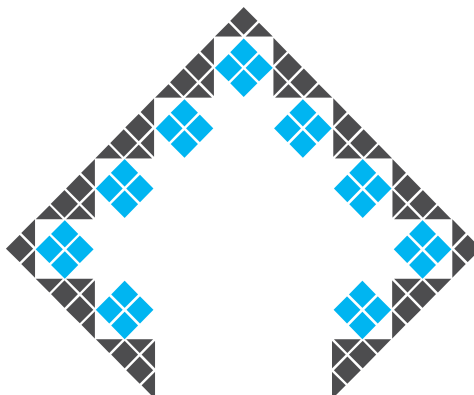


ضوابط ناظر بر تعیین و تقویم خسارت معنوی در رویه قضایی

قسمت اول



حجت جلیلیان، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، رئیس شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان آبادان

چکیده

اهتمام نسبت به حفظ حقوق معنوی و جبران خسارات وارده به شخصیت و ابعاد روحی و روانی انسان جزء موضوعات بسیار مهم است. امروزه حقوق بیشتر کشورها تمایل دارند که جبران خسارات معنوی به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار گیرد که با توجه به تنوع و تکرر خسارات معنوی و منشأ پیدایش آنها، شیوه‌های متنوعی برای جبران این نوع خسارات پیشنهاد شده است.

در نظام حقوقی کشور ما با توجه به پذیرش اصل جبران خسارت معنوی، این سؤال مطرح می‌شود که قلمرو و شیوه تعیین و تقویم خسارات معنوی و ضوابط ناظر بر آن کدام است که در این باره رویه قضایی متفاوت است و از جهت نحوه تقویم خواسته خسارت معنوی از سوی خواهان و نیز تعیین میزان و نوع جبران خسارت معنوی از سوی دادگاه رویه‌ای واحد وجود ندارد و به نظر می‌رسد بهترین ملاک تقویم (تعیین) این نوع خسارات دادن اختیار به قاضی (البته به صورت ضابطه‌مند) برای تعیین میزان خسارت در این محدوده با توجه به مجموعه‌ای از متغیرها و عوامل تأثیرگذار از جمله موقعیت اجتماعی، شخصیت، جنسیت، سن، تحصیلات و سایر ویژگی‌های زیان‌دیده و نوع خسارت وارده است. البته باید توجه داشت که برای مطالبه خسارت معنوی باید شرایط سه‌گانه مسئولیت (فعل زیان‌بار، ورود خسارت و رابطه سببیت بین آن دو) اثبات گردد. همچنین باید در نظر داشت که منظور از جبران خسارت معنوی، ترمیم کامل زیان وارد شده نیست، بلکه تشفی، تسکین و رضایت خاطر زیان‌دیده است؛ زیرا جبران کامل خسارت معنوی به این دلیل که معیاری برای اندازه‌گیری دقیق آن وجود ندارد، امری سخت است و لذا از هر طریقی که بتواند رضایت خاطر و تسکین روحی زیان‌دیده را فراهم نماید باید استفاده کرد. با توجه در آرای محاکم می‌توان گفت که دو شیوه برای جبران خسارت معنوی وجود دارد. مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین شیوه جبران خسارت معنوی، شیوه جبران مالی است. شیوه دیگر جبران خسارت معنوی نیز شیوه جبران غیرمالی است.

خسارت معنوی به جز در مورد دیه، قابل رأی دادن و تقویم است و دادگاه با لحاظ شرایطی می‌تواند زیان زنده را محکوم نماید و حتی قانون‌گذار می‌تواند در خصوص موارد پرتکرار، میزان خسارات را طی جداولی و به صورت حداقل و حداکثر تعیین کند که اگر این اتفاق روی دهد قضات بیشتر تمایل به صدور رأی خسارت معنوی خواهند داشت. واژگان کلیدی: خسارت معنوی، رویه قضایی، خواسته، جبران خسارت



درآمد

امروزه اصل جبران خسارت‌های مادی وارده به اموال و دارایی اشخاص و نیز جبران خسارت‌های معنوی پذیرفته شده است، جبران خسارت معنوی توسط قانون‌گذار ایران نیز در قوانین متعددی به رسمیت شناخته شده است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که از یک سو چنین خساراتی همواره رابطه مستقیمی با شخص خطاکار ندارد و از سویی دیگر در بیشتر موارد محسوس نبوده و تعیین میزان آن با مشکل مواجه می‌گردد. چه اینکه غالباً جبران خسارت معنوی در مواردی که امکان التیام شخص زیان‌دیده وجود دارد از طریق پرداخت مالی صورت می‌پذیرد که معیار مشخصی در خصوص محاسبه و تطبیق آن با میزان خسارات وارده ارائه نگردیده است. اهمیت حقوق معنوی تا جایی است که می‌توان گفت در بسیاری از موارد ورود خسارت به سرمایه‌های معنوی اشخاص، نسبت به خسارات مادی، اثرات تخریبی به مراتب بیشتری را در شخص زیان‌دیده و حتی به مرور در اجتماع برجای خواهد گذاشت؛ لذا حمایت از حقوق مربوط به شخصیت و ابعاد روحی و روانی و سرمایه‌های معنوی انسان و جبران صدمات وارده به این حقوق از اهمیت و ضرورت غیرقابل انکاری برخوردار است.

پاسخ به این پرسش که آیا خسارت معنوی قابل تقویم است یا خیر و نحوه تقویم خواسته در دعوی مطالبه خسارت‌های معنوی و نیز معیار تعیین جبران خسارت‌های معنوی در دادگاه‌ها یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعاتی است که در این حوزه مورد بحث و بررسی قرار گرفته که در این خصوص

با توجه به تنوع خسارت‌های معنوی و منشأ پیدایش و نحوه بروز و ظهور آنها، شیوه‌های متعدد و متنوعی برای جبران آنها وجود دارد. یکی از این شیوه‌ها، جبران مالی خسارت معنوی است. به این معنا که خسارت‌های معنوی وارده به اشخاص، از طریق پرداخت مالی و نوعاً پرداخت وجه نقد به زیان‌دیده جبران شود.

۱- کلیات خسارت معنوی

۱-۱- تعریف و ماهیت خسارت معنوی

خسارت در لغت به معنای زیان بردن، زیان دیدن، زیانکاری و زیان آمدن است (عمید، ۱۳۶۲: ۴۵۱). خسارت در دو معنی به کار رفته است: الف) مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود. ب) زیان وارد شده را هم خسارت می‌گویند (پیرهادی، ۱۳۸۳: ۲۱۹).

خسارت معنوی در متون انگلیسی با عنوان Moral damage مورد بررسی قرار گرفته و معادل انگلیسی خسارت معنوی عبارت است از: «compensation allowed for injured feelings» (رشدیه، ۱۳۹۰: ۶۱۳).

خسارت معنوی اصطلاحی است که تعیین مصادیق و تعیین قلمرو آن کار آسانی نیست؛ زیرا با اینکه در متون قانونی متعدد به کار رفته، اما در هیچ‌یک از آنها تعریفی از خسارت معنوی به عمل نیامده است (حاتمی، ۱۳۸۲: ۴۴). حقوق‌دانان تعاریف مختلفی در خصوص خسارت معنوی ارائه داده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

به نظر دکتر شهیدی: «ضرر معنوی یعنی خسارت وارد بر متعلقات غیرمالی

انسان نظیر روان، آبرو و جسم. خسارات معنوی که می‌توان واردکننده را محکوم به جبران نمود عبارت است از خسارت وارد بر حیثیت یا اعتبار و شخصیت و خسارات وارد بر جسم، روح و آزادی و به تعبیر ماده یک قانون مسئولیت مدنی هر حق دیگر» (شهیدی، به نقل از اسماعیلی، تهران: ۱۳۷۷: ۲۹).

دکتر ره‌پیک در تعریف خسارت معنوی چنین نوشته است: «خسارت معنوی خسارتی است که قابل تقویم به پول نمی‌باشد و به طور کلی صدمات روحی و لطماتی را که به آبرو، حیثیت، شخصیت، اعتبار تجاری و شغلی اشخاص وارد می‌شود، شامل می‌گردد» (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۴۸).

دکتر جعفری لنگرودی خسارت معنوی را چنین تعریف می‌کند: خسارتی است که به عرض و آبرو و ارزش‌های معنوی کسی وارد می‌شود و ضد خسارت مادی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۶۲). از آنجا که دانستن معنی خسارت مادی در شناخت خسارت معنوی مؤثر است اشاره به معنای خسارت مادی می‌تواند مفید واقع شود. یکی از اساتید در تعریف خسارت مادی می‌نویسد: «منظور از خسارت مادی خسارتی است که به اعیان و منافع و حقوق اموال وارد می‌شود و به عبارتی دیگر خساراتی که به طور معمول قابل تقویم به پول می‌باشد، خسارت مادی نامیده می‌شود» (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۴۸).

در ترمینولوژی حقوق، خسارت معنوی چنین تعریف شده است: ضرری که متوجه حیثیت و شرافت و آبروی شخص یا بستگان او (که بالنتیجه متوجه او شده باشد) گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۶۲).



در تعریف دیگری چنین آمده است: در صورتی که ضرر به پول قابل تقویم نباشد معنوی است (جعفری تبار، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

یکی از اساتید نیز در تعریف خسارت معنوی آورده است: «ضرر و زیان وارد شده به شهرت، حیثیت و آبرو، آزادی، معتقدات مذهبی، حیات، زیبایی، احساسات و عواطف و علایق خانوادگی» (آشوری، ۱۳۷۸: ۲۳۷/۱).

یکی دیگر از نویسندگان گفته است: «خسارت معنوی عبارت است از جریحه دار کردن و لطمه زدن به بعضی از ارزش‌ها که جنبه معنوی دارند» (ابوالاحمد، ۱۳۴۹: ۹). دکتر امامی نیز در تعریف این خسارت آورده است: «خسارت معنوی عبارت است از صدمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخصی که در اثر عمل بدون مجوز قانونی دیگری ایجاد شده است» (امامی، به نقل از اسماعیلی، ۱۳۵۶: ۲۹). احمد ادریس در تعریف زیان معنوی می‌گوید: «زیان معنوی زیانی است که بر شعور، احساسات، آبرو، شخصیت و اعتبار انسان مترتب می‌شود» (ادریس، ۱۳۷۷: ۳۱۶). آقای حسینی نژاد نیز می‌گوید: «خسارت معنوی عبارت است از آسیب رساندن به حق شخصیت (حق شرف در صورت افترا) و تألم جسمی و یا آسیب روانی و یا آسیب به احساسات عاطفی» (حسینی نژاد، ۱۳۷۷: ۷۶).

استاد کاتوزیان نیز می‌گوید: «خسارت معنوی خسارتی است که چهره مالی ندارد و به دارایی شخص لطمه نمی‌زند ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیرمالی شخص می‌شود مانند لطمه به شرافت و شهرت شخص» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۵/۱).

به هر حال در تعریف خسارت معنوی می‌توان گفت خسارت معنوی عبارت است از خسارت وارده به حیثیت یا اعتبار و شخصیت و جسم و روح و آزادی و هر حق دیگر قانونی فرد که جنبه مادی ندارد و قابل تقویم به پول و امور مادی نیست (نجفی فتاحی، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

همچنین به اعتقاد مرحوم دکتر کاتوزیان، مفاهیم ضرر و خسارت تفاوتی با یکدیگر ندارند و معنای آنها در نظر عرف آن قدر آشکار است که نیاز به تعریف ندارد و بر همین اساس می‌توان به بیان مصادیقی از خسارت بسنده نمود (کاتوزیان، ۱۳۵۱: ۸۴۳/۱). با این وجود برخی دیگر از حقوقدانان دایره تعریف خسارت را منحصر به ضرر به معنای عرفی آن ندانسته و با گسترش آن به غرامت یعنی مبلغی که به عنوان جبران خسارت به زیان دیده پرداخت می‌شود مفهوم خسارت را عام‌تر از مفهوم ضرر می‌دانند (نقیبی، ۱۳۲۶: ۸۹). مازوها حقوقدان معروف فرانسوی می‌گوید: «خسارت مادی، خسارت وارد به اموال است و خسارت معنوی، خسارت فوق مالی یا غیراقتصادی است» (یوسفی صادقلو، سرمست درگاه، ۱۳۹۷).

۱-۲- تقویم خواسته یا مقوم نمودن خواسته

تقویم بهای بهای خواسته که یکی از شرایط دادخواست است، از لحاظ هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی حائز اهمیت است. خواهان باید خواسته خود را تقویم کند که این مبلغ همان بهای خواسته است. تقویم در دعاوی مالی ضرورت دارد و در دعاوی غیرمالی نیازی به تقویم کردن خواسته نیست.

تعیین بهای خواسته در واقع به مفهوم مشخص کردن ارزش ریالی یا تقویم آن به وجه رایج کشور است؛ بنابراین وقتی خواسته وجه رایج کشور است، تقویم آن موضوعاً منتفی است و اعتراض به بهای آن نمی‌تواند مصداق داشته باشد و اگر خواننده به میزان وجه تعیین شده اعتراض کند، اقدام وی، دفاع به معنای اخص تلقی می‌شود. تقویم خواسته از سوی خواهان تعیین و در دادخواست درج می‌شود و یا با جلب نظر کارشناس تعیین می‌گردد و بر اساس آن خواهان می‌بایست هزینه دادرسی را پرداخت نماید.

تعیین بهای خواسته از سه جهت دارای ضرورت می‌باشد: از جهت تعیین مرجع صالح برای رسیدگی، از جهت تعیین میزان هزینه دادرسی و از جهت امکان تجدیدنظرخواهی نسبت به رأیی که صادر خواهد شد.

در صورتی که قیمت خواسته در دعاوی مالی در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد، تکلیف تعیین بهای خواسته ساقط می‌شود و به استناد ماده ۱۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۱۳۷۳ عمل می‌شود و بقیه هزینه دادرسی بعد از تعیین خواسته و صدور حکم دریافت خواهد شد و دادگاه مکلف است قیمت خواسته را قبل از صدور حکم مشخص کند.

چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع به رسیدگی با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین خواهد کرد. اعتراض به بهای خواسته در صورتی مورد توجه قرار می‌گیرد



از جرم‌های مذکور در مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۸ مکرر و ماده ۲۰۹ گردد، علاوه بر مجازات مقرر، به تأدیه خسارت معنوی مجنی‌علیه که در هر حال کمتر از پانصد ریال نخواهد بود، محکوم می‌شود...».

۲-۲-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این قانون ضرر معنوی در کنار ضرر مادی مطرح و مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفته و به وضوح واردکننده خسارت معنوی را مسئول جبران خسارت و ضامن قلمداد کرده است و طبعاً متضرر را مستحق مطالبه خسارت ناشی از ضرر معنوی می‌شمارد (حاتمی، ۱۳۸۲: ۴). در اصل ۱۷۱ چنین آمده است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌شود».

اصل ۱۷۱ قانون اساسی به وضوح و به صورت عام ضرورت جبران خسارت معنوی را مورد پذیرش قرار داده است. اگرچه این اصل در زمینه مسئولیت ناشی از ایراد خسارت مادی و معنوی به وسیله قاضی است ولی می‌توان آن را نسبت به تمامی موارد ایراد خسارت مادی و معنوی تعمیم داد. در این اصل به خسارت معنوی به عنوان یک خسارت مستقل نگریسته شده و اعاده حیثیت زیان‌دیده در هر حال لازم و ضروری به شمار آمده است.

بنابراین طبق اصل ۱۷۱، ایراد خسارت معنوی به وسیله قاضی باید مانند

مطابق نظریه تقصیر، شخصی مسئول جبران خسارت است که از لحاظ اخلاقی در انجام کارش تقصیر نموده باشد، لذا در این نظر، مفهوم مسئولیت، اخلاقی است و تنها در صورت اثبات تقصیر، امکان مسئول دانستن شخص وجود دارد.

در نظریه تقصیر این زیان‌دیده است که به عنوان مدعی باید تقصیر فاعل زیان را اثبات کند. طبق نظریه ایجاد خطر (مسئولیت بدون تقصیر) شخصی که به انجام فعالیت می‌پردازد و از انجام آن فعالیت سود می‌برد، مسئول خسارات حاصل از ایجاد محیط خطرناک ناشی از فعالیت خود می‌باشد. طبق این نظر مبنای مسئول قرار گرفتن شخص، تقصیر او نیست بلکه در عوض نفعی است که از انجام فعالیت و ایجاد محیط خطرناک می‌برد و تقصیر در زمره ارکان ایجاد مسئولیت نیست. در نظام حقوقی ما نظریه تقصیر به عنوان اصل پذیرفته شده است و نظریات دیگر به طور استثنایی با توجه به قانون پذیرفته شده است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۸ و ۱۹)؛ بنابراین در صورت ورود خسارت معنوی نیز چنانچه فاعل زیان مرتکب تقصیر شده باشد، دادگاه او را مسئول جبران خسارت معنوی خواهد شناخت.

۲-۲-۲- مبانی قانونی جبران خسارت معنوی

در این قسمت به بررسی موضع قوانین مختلف در خصوص جبران خسارت معنوی می‌پردازیم. لازم به ذکر است که اولین بار در ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به مسئله جبران خسارت معنوی اشاره گردیده است. برابر این ماده: «هر کس مرتکب یکی

که اولاً، تا نخستین جلسه دادرسی عنوان شده باشد؛ ثانیاً، با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در قابلیت تجدیدنظر و عندالاجتضاء فرجام رأی مؤثر باشد؛ ثالثاً، علاوه بر دو شرط مزبور شرط سومی را نیز باید افزود و آن اعلام بهای مورد نظر خواننده (حداقل تعیین‌کننده مراحل بعدی) است.

بنابراین چنانچه خواننده به موجب لایحه‌ای که تا نخستین جلسه دادرسی تقدیم می‌کند، منحصرأً به بهای خواسته اعتراض کند یا با وجود حضور در نخستین جلسه دادرسی و اعتراض بهای مورد ادعای خود را اعلام نکند، دادگاه نباید به آن اعتنا کند. اعتراض به بهای خواسته در دعاوی مالی راجع به وجه نقد (مطالبه وجه) مصداق نداشته و اختلاف خواهان و خواننده بر سر میزان خواسته، اعتراض به بهای خواسته محسوب نمی‌شود بلکه دفاع در ماهیت دعوا است. ضمناً چنانچه خواسته، از جمله دعاوی مالی راجع به اموال غیرمنقول باشد، اگرچه بهای خواسته از نقطه‌نظر صلاحیت همان است که خواهان در دادخواست معین کرده، اما با این حال، هزینه دادرسی این‌گونه دعاوی غیرمنقول باید بر اساس قیمت منطقه‌ای مال غیرمنقول پرداخت شود.

۲-۲-۲-۱- مبانی نظری جبران خسارت معنوی

از لحاظ نظری مبانی مطالبه خسارت معنوی همانند خسارت مادی است (نجفی فتاحی، ۱۳۸۳: ۱۶۰) که عبارت است از نظریه تقصیر، ایجاد خطر، تضمین حق و سوءاستفاده از حق. به طور مختصر به نظریات اصلی در این حوزه یعنی نظریه‌های تقصیر و خطر اشاره می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۱ تا ۲۶).

خسارت مادی به وسیله پرداخت پول یا هر طریق دیگری که موجب اعاده حیثیت زیان دیده می شود جبران گردد، لذا این نتیجه به دست می آید که ضرر مادی و معنوی وارد بر اشخاص بایستی جبران گردد (معاونت آموزش قوه قضاییه).

۲-۲-۲- قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره ۱- زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید. تبصره ۲- منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید، همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود». شایان ذکر است که این ماده نیز به ذکر مصادیقی از خسارت معنوی پرداخته ولی مفهوم آن را به طور جامع بیان نکرده است.

۲-۲-۳- قانون مسئولیت مدنی

مطابق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ زیان دیده می تواند محکومیت زیان زنده را به جبران ضرر و زیان معنوی خویش بخواهد. به ذکر موادی از قانون مذکور که در آنها از خسارت معنوی نام برده شده است، می پردازیم: ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کسی

برای اینکه خواهان دعوی خود را در دادگاه اقامه کند، باید علاوه بر داشتن اهلیت (بلوغ، رشد و عقل) در طرح دعوا نیز ذی نفع باشد. بر طبق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند». منظور از ذی نفع بودن این است که اگر دادگاه به ادعای طرف رسیدگی کند و حکم به نفع او صادر شود سودی به او می رسد.

مال غیر لازم است. همان طور که می دانیم بی احتیاطی نیز نوعی تعدی و تفریط محسوب می شود.

ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی: «در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه بعد از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان، موجب یکی از خسارات مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود».

ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورده مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید». این ماده نیز وارد آوردن زیان معنوی را موجب ایجاد مسئولیت برای زیان زنده می داند.

ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی: «دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوءاستفاده از زیردست بودن حاضر برای هم خوابگی نامشروع شده، می تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی، زیان معنوی مطالبه نماید». توضیح اینکه، نامشروع بودن در این ماده فقط از سوی مرد است و دختر در حالت اگره قرار دارد (حسینی نژاد، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود، می تواند

بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد». با توجه به این ماده در صورتی که شخصی به طور عمدی یا در اثر تقصیر موجب ورود زیان معنوی به دیگری گردد، بایستی آن را جبران نماید. مواد ۹۵۱، ۹۵۲ و ۹۵۳ قانون مدنی در تعریف تقصیر چنین آورده است: تقصیر اعم است از تفریط و تعدی. تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری. تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ



۳- در قانون «الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات امریکا علیه ایران و اتباع ایرانی» مصوب ۱۳۹۵ بحث مطالبه خسارت معنوی آمده است.

۲-۳- مبانی فقهی جبران خسارت معنوی

در بسیاری از کتب فقهی با وجود پاره‌ای تردیدها، به مسئله خسارات معنوی اشاره شده و در ضمن تعاریفی که از ضرر ارائه داده‌اند، خسارت معنوی را نیز پذیرفته‌اند. مثلاً صاحب عناوین سرمایه معنوی و شخصیت و حرمت شخص را «عرض» می‌نامد و هتک آن را از اقسام اضرار می‌شمرد و وی تردید نسبت به شمول قاعده لاضرر را درباره خسارات معنوی مردود می‌داند (همان: ۲۵۵). همچنین خوانساری می‌نویسد: «ضرر عبارت است از فوت چیزی که انسان آن را واجد است، خواه نفس باشد یا عرض یا مال یا عضوی از اعضاء بدن...» (همدانی، ۱۴۲۰: ۱۶۴).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تعریف ضرر می‌نویسد: «ضرر از دست دادن هر چیزی است که ما واجد آنیم و از آن نفع می‌بریم از مواهب حیات یا نفس یا مال یا عرض...» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۵۵).

در این باره چند مبنای فقهی مطرح شده که عبارت‌اند از: ۱- قاعده لاضرر: هدف اصلی تشریع این قاعده مهم، فراهم کردن موجبات جبران خسارت وارده به افراد بوده که مصداق بارز آن خسارات معنوی است. ۲- قاعده لاجرح: قاعده نفی حرج مفهومی شبیه قاعده لاضرر دارد به این معنی که هر امر موجب سختی یا عسرت و مضیقه در اسلام نفی شده است؛ بنابراین روشن است که اگر

۱- ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش یا الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد و تعقیب جرایم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد. تبصره ۱- در موارد فوق، شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید». با توجه به تبصره این ماده که حق درخواست خسارت را به طور مطلق به‌کار برده و خسارت نیز اعم از مادی و معنوی است؛ باید گفت در صورت بروز خسارت معنوی نیز زیان‌دیده می‌تواند برای جبران خسارت معنوی وارده به دادگاه‌ها مراجعه نماید. سابقه تصویب این ماده نیز بر این امر صحه می‌گذارد. ۲- در ماده ۲۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان چنین آمده است: «شاکی خصوصی می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او چاپ شود». توجه به این ماده نشان می‌دهد که زیان‌دیده برابر این ماده می‌تواند از دادگاه درخواست نماید تا حکمی که ذی‌حقی او را ثابت می‌کند در یکی از نشریات منتشر نماید تا از این طریق (که یکی از طرق غیرمالی جبران خسارت معنوی محسوب می‌شود) خسارت معنوی وارده جبران گردد.

از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». در خصوص این ماده گفته شده که از بین بردن منبع ضرر در مواردی که زیان وارده مستمر است، بهترین وسیله برای جبران خسارت محسوب می‌شود؛ مثلاً در صورتی که شخصی به دیگری در یک روزنامه توهین کند، الزام به عذرخواهی وسیله‌ای است تا موقعیت زیان‌بار از بین برود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

همچنین برابر ماده فوق، دادگاه بر حسب مورد و اهمیت زیان و میزان تقصیر می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت از طریق پرداخت مال، از روش‌های دیگری نظیر الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن اقدام به جبران خسارت نماید. عبارت «اهمیت زیان و نوع تقصیر» که در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی آمده جزو مهم‌ترین و اصلی‌ترین موارد جهت صدور حکم در بحث خسارت معنوی است و این عبارت، مفهوم خسارت معنوی را به نوعی «مجازات خصوصی» نزدیک می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد که صدور حکم ضمانت اجرای تقصیر و از پیامدهای مهم آن است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

۲-۲-۴- سایر قوانین

در سایر قوانین هم به طور پراکنده راجع به ضرر و زیان معنوی مواد چندی وجود دارد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

کسی خسارت مالی یا بدنی بر کسی وارد آورد و از عهده خسارت وارده برنیاید او را (زیان دیده را) در معرض ضیق و تنگی قرار داده است و این از نظر شارع ممنوع است (مرعشی، ۱۳۷۰: ۱۹). ۳- بنای عقلا: عقلا در صورت وقوع یک خسارت معنوی جبران آن را از سوی زیان زننده لازم می‌دانند. شارع نیز این بنای عقلا را تأیید نموده است. بر مبنای قاعده «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع» می‌توان گفت، چون عقل به جبران خسارت معنوی وارد شده بر اشخاص حکم می‌کند؛ بنابراین شرع نیز آن را پذیرفته است. به علاوه اینکه عقلا، عدم پرداخت خسارت‌ها را (اعم از خسارات مادی و معنوی) ظلم می‌دانند و ظلم نیز در نظر خداوند امری قبیح است. لذا حکم به عدم جبران خسارت معنوی، از جانب شارع امری قبیح است.

۳- شرایط و چگونگی طرح دعوای خسارت معنوی و دادرسی راجع به آن

شخص زیان دیده حق دارد و لازم است که در دادگاه اقامه دعوا نماید و خسارت‌های معنوی وارد به خود را مطالبه نماید؛ بنابراین لازم است زیان دیده در دادگاه صالح اقامه دعوا نماید. به موجب اصل سی و چهارم قانون اساسی، دادخواهی و اقامه دعوا در دادگاه حق هر فردی می‌باشد و کسی را نمی‌توان از اعمال این حق محروم نمود. زمانی که فردی می‌خواهد دعوی حقوقی را اقامه کند، اولین اقدام و مهم‌ترین اقدام دادن دادخواست است به دلیل آنکه باید شرایط شکلی و محتوای آن رعایت شود، در واقع خواسته اشخاص با دادن دادخواست معین می‌گردد.

۱-۳- شرایط خواهان

برای بررسی اینکه خواهان کیست ابتدا لازم است گفته شود خواهان به فردی گفته می‌شود که دعوای حقوقی را در دادگاه طرح می‌کند و شاکي به فردی گفته می‌شود که دعوای کیفری را در دادسرا و مراجع کیفری طرح می‌کند؛ در واقع خواهان در لغت به معنای متقاضی، مدعی و خواستار می‌باشد و شخصی است که خواسته خود را در برگ دادخواست تنظیم می‌کند و در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی دارد دعوی را طرح می‌کند.



مطابق نظریه تقصیر، شخصی مسئول جبران خسارت است که از لحاظ اخلاقی در انجام کارش تقصیر نموده باشد، لذا در این نظر، مفهوم مسئولیت، اخلاقی است و تنها در صورت اثبات تقصیر، امکان مسئول دانستن شخص وجود دارد.



برای اینکه خواهان دعوای خود را در دادگاه اقامه کند، باید علاوه بر داشتن اهلیت (بلوغ، رشد و عقل) در طرح دعوا نیز ذی‌نفع باشد. بر طبق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند». منظور از ذی‌نفع بودن این است که اگر دادگاه به ادعای طرف رسیدگی کند و حکم به نفع او صادر شود سودی به او می‌رسد. منظور از اهلیت آن است که متضرر از جرم به طور

قانونی دارای شایستگی و صلاحیت دارا شدن حق و اعمال آن باشد. علاوه بر این موارد، خسارت وارده باید قانونی و مشروع باشد؛ بنابراین به عنوان مثال دعوی مطالبه ضرر ناشی از سرقت مواد مخدر یا ضرر و زیان ناشی از قمار بازی قابل مطالبه نمی‌باشد، همچنین حقی که در دادگستری اعمال و اظهار می‌شود باید شرایطی همچون منجز بودن، معلق و مشروط نبودن نیز داشته باشد.

۲-۳- مالی بودن یا غیرمالی بودن دعوای خسارت معنوی

در زمان تقدیم دادخواست باید مالی یا غیرمالی بودن دعوا مشخص شود. نادرستی نوع توصیف دعوا از موارد نقص دادخواست است. تقسیم دعوا به مالی و غیرمالی، مانند هر تقسیم‌بندی قانونی دارای معنا و آثار حقوقی است، ولی درباره کارآمدی و ضرورت آن تأمل کافی نشده است. در تمام مواردی که حق تضییع یا انکار شده، مالی باشد، دعوا مالی است؛ در نتیجه مالی بودن دعوای فسخ، بطلان معامله و بی‌اعتباری سند و... در صورتی که مربوط به حقوق مالی باشند، نباید مورد تردید قرار گیرد.

مطابق بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، از جمله مواردی که باید خواهان در دادخواست به آن تصریح کند، تقویم بهای خواسته در دعوای مالی است چراکه در دعوای غیرمالی نیازی به تقویم خواسته نیست.

یکی از مسائل مهمی که درباره تفکیک دعوای مالی و غیرمالی در قانون آیین دادرسی مدنی عنوان شده است، به لزوم پرداخت هزینه دادرسی در دعوای مالی بر مبنای ارزش خواسته دعوی مربوط می‌شود.



که ارکان فوق در محکمه به اثبات برسد (نجفی فتاحی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). لازم به ذکر است که تنها آن دسته از حقوق معنوی از بین رفته در حقوق ایران قابل مطالبه هستند که از مشروعیت اخلاقی و حمایت قانونی برخوردار باشند.

خسارت معنوی از جهات گوناگونی قابل تقسیم است. دو مورد از مهم‌ترین تقسیمات آن عبارت‌اند از: تقسیم بر اساس منشأ ورود خسارت و تقسیم بر اساس موضوع خسارت.

ادامه دارد...

دعوی مالی خواهد بود و خواهان بایستی به مأخذ خواسته یا محکوم به (حسب مورد) تمیز هزینه دادرسی را باطل نماید.

۳-۳- ارکان مطالبه خسارت معنوی

برای جبران خسارت معنوی نیز مانند خسارت مادی بایستی ارکان ایجاد مسئولیت که عبارت‌اند از: فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر وارده؛ موجود باشد. همچنین ضرر بایستی مسلم و مستقیم و جبران نشده باشد. دادگاه‌ها در صورتی رأی به جبران خسارت معنوی می‌دهند

با توجه به ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی، تمامی احکام صادره در دعاوی غیرمالی قابل تجدیدنظرخواهی هستند، اما دعاوی مالی فقط زمانی قابل تجدیدنظرخواهی هستند که میزان خواسته یا ارزش آن بیش از سه میلیون ریال باشد.

نتیجه آنکه، در مورد خسارت معنوی چنانچه خواهان خسارت معنوی را از جهت امور غیرمالی همچون الزام به عذرخواهی و یا درج حکم در جراید خواستار شود دعوی غیرمالی و در فرض مطالبه مالی از حیث جبران زیان معنوی

فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، چاپ ۴، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۸
- ۲- ابوالحمد، عبدالحمید، تحولات حقوق خصوصی- مقاله مسئولیت دولت، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، شماره ۱۲۷۴، ۱۳۴۹
- ۳- احمد ادریس، عوض، دیه، ترجمه علیرضا فیض، چاپ ۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
- ۴- امامی، سیدحسن، مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه ملی (سابق)، شماره ۵، بهمن ۱۳۵۶
- ۵- پیرهادی، محمدرضا، قائم مقامی در مطالبه خسارت معنوی بعد از فوت زیان‌دیده، کانون وکلا، شماره‌های ۱۸۴ و ۱۸۵، ۱۳۸۳
- ۶- جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی کالاها، چاپ ۱، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۹
- ۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ۱۹، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۷
- ۸- حاتمی، علی‌اصغر، خسارات معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، شماره ۲۵ و ۲۶
- ۹- حاتمی، علی‌اصغر، خسارت معنوی و شیوه‌های جبران آن در حقوق ایران، نشریه قضاوت، سال دوم، ش ۱۸، آبان ۱۳۸۲
- ۱۰- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، تهران، چاپ ۱، بهار ۱۳۷۷
- ۱۱- رشیدیه، هرمز، فرهنگ تشریحی-کاربردی حقوق، جلد ۱، انتشارات نوربخش، تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۰
- ۱۲- ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ ۳، ۱۳۸۸
- ۱۳- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ۱۸، ۱۳۶۲
- ۱۴- قاسم‌زاده، مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۸
- ۱۵- قاسم‌زاده، مرتضی، مختصر قراردادهای و تعهدات، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۸
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری) مسئولیت مدنی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۸، ۱۳۸۶
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، توجیه و نقد رویه قضایی، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۷
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی-وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۱۱، ۱۳۸۵
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، تهران، چاپ ۱۷، ۱۳۸۷
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ۳۳، ۱۳۸۲
- ۲۱- مرعشی، محمدحسن، دیه و ضرر و زیان ناشی از آن، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال اول، ۱۳۷۰، شماره ۱
- ۲۲- مطهری، عباس، خسارت معنوی در آرای قضایی با تکیه بر حقوق ایران و مصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۵
- ۲۳- معاونت آموزش قوه قضاییه، زیر نظر محمد درویش زاده، نکته‌هایی از مقالات حقوقی در امور مدنی، جلد ۲، چاپ ۱، نشر قضا، قم، بهار ۱۳۸۷
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، جلد ۱، انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین، قم، چاپ ۱، ۱۴۱۱ ه.ق
- ۲۵- نجفی فتاحی، صمد، جبران مادی خسارت معنوی در حقوق ایران، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۶ و ۱۸۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۳
- ۲۶- نقیعی، سید ابوالقاسم، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۲۶
- ۲۷- هدایتی محبوب، ابوالفضل، اسدی، محمدحسن، نقدی بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۹۸
- ۲۸- همدانی، آقا رضا، حاشیه کتاب المکاسب (للهمدانی)، جلد ۱، ناشر مؤلف، قم، چاپ ۱۴۲۰ ه.ق
- ۲۹- یوسفی صادقلو، احمد، سرمست درگاه، زینب، مقایسه تطبیقی ارکان خسارت معنوی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری شماره ۳۷ پاییز ۹۷